

برای بازسازی صحنه جنایت رقم خورد

بازگشت «مرد کلنگی» به خانه وحشت!



سید خلیل سجادپور
info@khorasannews.com

ترس و دلهره عجیبی وجودم را فرا گرفت، باهایم روی پدال خودرو می لرزید، به هر سو نظرمی افکندم پر وحشتم افزوده می شد. معتادان در گعده های چند نفره دور هم نشسته بودند. عده ای نیز در دو سوی خودروام قرار گرفتند.

زن خمار مقابلم ایستاد و جملات نامفهومی را بر زبان جاری می کرد. درها را از داخل قفل کردم. حتی مسیری برای دور زن هم نداشتم. به هر طریقی بود به انتهای خیابان رسیدم اما از شدت ترس نمی توانستم به دیگر معتادانی نگاه کنم که پشت نخاله های ساختمانی نشسته بودند و مرا می پاییدند! قرار بود تا دقایقی دیگر صحنه قتل زن ۵۳ ساله به دست «مرد کلنگی» بازسازی شود و من حدود نیم ساعت زودتر به

نشانی محل جنایت رسیده بودم. همه آینه های خودرو را زیر نظر داشتم. هر بار که معتادی از کنار عبور می کرد، همه پیکر می لرزید به طوری که گویی دچار تب و لرز شده ام. طولی نکشید که با ورود خودروی پلیس به محل، اندکی احساس امنیت کردم. تصور این بود که عبور پرطمطراق رئیس کلانتری محل، معتادان متجاهر را فراری می دهد که آشکارا محل وقوع جنایت را به قرق خود درآورده اند اما هیچ کس توجهی به خودروی حامل رئیس کلانتری هم نداشت و همچنان به کار خود مشغول بودند به همین دلیل خودروی پلیس برای تامین امنیت محل بازسازی صحنه قتل، به فضای باز برگشت. دقایقی بعد خودروی حامل قاضی ویژه قتل عمد هم در حالی به محل رسید که این صحنه های ناخوشایند توجه قاضی دکتر صادق صفری را نیز به خود جلب کرده بود.



خانه وحشت (محل وقوع جنایت)

لحظاتی بعد «جواد-ر» (متهم به قتل) از خودروی کارآگاهان پلیس آگاهی پیاده شد و با دستور مقام قضایی به داخل منزل نقلی نوسازی قدم گذاشت که دیگر کسی داخل آن انتظارش را نمی کشید. **اشک در چشمانش حلقه زده بود** که پرسیدم، **این خانه را خودت ساختی؟** با این سوال گویی روح و روانش تکان خورد. نگاهی به چهره ام انداخت و گفت: نه! همسرم در یک انباری نگهداری تخم مرغ کار می کرد. او با پس انداز هایش این زمین کوچک را خرید و چندماه قبل نیز تصمیم گرفت آن را بسازد! به او گفتم من چیزی ندارم! بیکارم! پولی ندارم! ولی او گفت: خدا بزرگ است! مقداری وام می گیریم و با پس اندازی که دارم خانه را می سازیم! همسایگان ابتدا می گفتند شما بیایید، ما به شما شعله گاز می دهیم! برق می دهیم! ولی به هیچ کدام از حرف هایشان عمل نکردند! با وجود این همسرم این خانه را ساخت.



عکس ها اختصاصی خراسان

سواد هم داری؟ نه! بیسوادم. **چرا؟** چون در روستای شفیع آباد در نزدیک قوچان زندگی می کردیم. پدرم کشاورزی می کرد و من هم در کنار او کار می کردم، به همین خاطر هم درس نخواندم.

چند سال با همسرت زندگی کردی؟ ۳۷ سال، بزرگ ترین پسرم ۲۲ ساله است.

اختلاف با همسرت از چه زمانی شروع شد؟ از حدود یک سال قبل! به او می گفتم چند روز سر کار نرو! ولی او توجهی نمی کرد! از حدود ۱۰ روز قبل هم هیچ گونه روابط عاطفی با هم نداشتم که این موضوع آرام می داد.

پشیمانی؟ مثل ...

پشیمانم! دوباره اشک ها از چهره اش سرازیر شدند. گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با فراهم شدن مقدمات بازسازی صحنه جنایت، ابتدا سرگرد شکبیا (افسر پرونده) به بیان جزئیاتی از این ماجرای تکان دهنده پرداخت و سپس متهم به قتل مقابل

دوربین قوه قضاییه ایستاد. او با تفهیم موادی از قانون مجازات اسلامی از سوی قاضی دکتر صادق صفری، مبنی بر این که مواظب اظهارات خود باشید و حقیقت ماجرا را بیان کنید، دوباره همان کلنگ جنایت را به دست گرفت و با اشاره قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد به تشریح صحنه قتل پرداخت. او در پاسخ به سوالات متعدد قاضی ویژه قتل عمد مشهد گفت: آن شب حدود ساعت ۲۱ بود که همسرم به من گفت: برو موزاییک بیاور! آخر در آن وقت شب موزاییک می خواست چه کار کند؟ بعد هم گفتم شناسنامه ام را بده! ولی گفت: صبح جمعه شناسنامه ات

را می دهم!

قاضی پرسید: **در آن وقت شب شناسنامه را می خواستی چه کنی؟** گفتم شاید برای نگهدانی بروم و کاری پیدا کنم که شناسنامه لازم می شود! از طرف دیگر هم به من محل نمی گذاشت و مدعی بود که تو ناخرم هستی! به همین خاطر



تشریح صحنه قتل در حضور مقام قضایی

عصبانی شدم و کلنگ را از کنار اجاق گاز برداشتم. او خواب بود که ۳ به محکم بر سرش کوبیدم!

قاضی صفری پرسید: پسر در کجا خوابیده بود؟ در کنار همسرم!

چه زمانی متوجه قتل شد؟ وقتی که همسرم آخرین نفس هایش را می کشید و خرخر می کرد. **پسر در اقدامی نکرد؟** چرا قصد داشت مرا بزند! ولی در این هنگام با اورژانس تماس گرفت و من هم بیرون از منزل منتظر آمبولانس ایستادم.

موضوع غیراخلاقی خاصی از همسرت دیده بودی؟ نه! به هیچ وجه!

چرا با کلنگ به سر همسرت کوبیدی؟ این جا که وسایل دیگری هم وجود داشت؟ نمی دانم! به یک باره کلنگ را دیدم!

معنادی؟ بله! متادون مصرف می کنم! آن شب هم مثل همیشه متادون خوردم!

دفاع دیگری داری؟ نه! فقط پشیمانم!

بنابر گزارش روزنامه خراسان، با پایان بازسازی صحنه جنایت، قاضی دکتر صادق صفری، دستور انتقال متهم به زندان مرکزی مشهد را صادر کرد تا این پرونده جنایی دیگر مراحل دادرسی را طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

طی کند.

در امتداد تاریکی

زخم زبان هایی به رنگ تهمت!

سرایداری می زد و منت بودم که حتی اجازه خوردن میوه و شیرینی را هم نداشتم! از سوی دیگر زخم زبان ها و نیش و کنایه های تلخ مادر شوهرم بیشتر از هر چیزی مرا زجر می داد. در این شرایط رفتارهای «اصغر» هم تغییر کرده بود. او هم هیچ پولی برای مخارج زندگی در اختیارم نمی گذاشت. وقتی بیمار می شدم نیز باید با داروهای خانگی به بهبودی می رسیدم، وگرنه از پزشک متخصص خبری نبود!

خلاصه در همین روزها شغل سرایداری برای شوهرم در رامسر پیدا شد و من فرصت خوبی پیدا کردم تا از زندگی در کنار مادر شوهر رها شوم. این بود که با خوشحالی اصغر را راضی کردم به شمال کشور مهاجرت کنیم چرا که در آمد آن شغل بسیار بیشتر از شاگردی در خواربار فروشی بود. زمانی که زندگی مشترکمان را در اتاق سرایداری ادامه می دادیم، تازه متوجه بارداری ام شدم و در حالی که از شدت عشق به فرزند در پوست خودم نمی گنجیدم موضوع را برای شوهرم بازگو کردم ولی با برخورد سرد او گویی نفس های شادمانی در سینه ام حبس شد. او مدعی بود در این اوضاع اقتصادی، چگونه می توانیم مخارج یک فرزند را هم تامین کنیم؟ در همین حال کارفرمانیز ما را به خاطر سهل انگاری و بی مسئولیتی اصغر در امور سرایداری، از آن جابیرون کرد و مجبور شدیم دوباره به خانه مادر شوهرم بازگردیم. اگر چه من از این موضوع خیلی ناراحت بودم اما زمانی زجر کش شدم که

مادر شوهرم در میان زخم زبان هایش تهمت رابطه نامشروع به من زد و ادعا کرد باید جنینم را سقط کنم چرا که به من اعتمادی ندارد و احتمال می دهد ... با شنیدن این جمله دیگر نتوانستم این تهمت شوم و ناروا را تحمل کنم به همین خاطر هم در حالی برای شکایت از دخالت های او در زندگی ام به کلانتری آمده ام که او شوهرم را سوگند داده است بین من و او یکی را انتخاب کند اما ای کاش ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با دستور سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری شفای مشهد) بررسی های تخصصی و اقدامات روان شناختی با دعوت از همسر و مادر شوهر این زن جوان به دایره مشاوره کلانتری آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

آگهی فقدان سند مالکیت

بشر به اینکه اداره اوقاف و امور خیریه نشانیور، برابری تقاضانده های شماره های ۴۴۷۱۴/۱، ۴۴۷۱۴/۲، ۴۴۷۱۴/۳، ۴۴۷۱۴/۴، ۴۴۷۱۴/۵، ۴۴۷۱۴/۶، ۴۴۷۱۴/۷، ۴۴۷۱۴/۸، ۴۴۷۱۴/۹، ۴۴۷۱۴/۱۰، ۴۴۷۱۴/۱۱، ۴۴۷۱۴/۱۲، ۴۴۷۱۴/۱۳، ۴۴۷۱۴/۱۴، ۴۴۷۱۴/۱۵، ۴۴۷۱۴/۱۶، ۴۴۷۱۴/۱۷، ۴۴۷۱۴/۱۸، ۴۴۷۱۴/۱۹، ۴۴۷۱۴/۲۰، ۴۴۷۱۴/۲۱، ۴۴۷۱۴/۲۲، ۴۴۷۱۴/۲۳، ۴۴۷۱۴/۲۴، ۴۴۷۱۴/۲۵، ۴۴۷۱۴/۲۶، ۴۴۷۱۴/۲۷، ۴۴۷۱۴/۲۸، ۴۴۷۱۴/۲۹، ۴۴۷۱۴/۳۰، ۴۴۷۱۴/۳۱، ۴۴۷۱۴/۳۲، ۴۴۷۱۴/۳۳، ۴۴۷۱۴/۳۴، ۴۴۷۱۴/۳۵، ۴۴۷۱۴/۳۶، ۴۴۷۱۴/۳۷، ۴۴۷۱۴/۳۸، ۴۴۷۱۴/۳۹، ۴۴۷۱۴/۴۰، ۴۴۷۱۴/۴۱، ۴۴۷۱۴/۴۲، ۴۴۷۱۴/۴۳، ۴۴۷۱۴/۴۴، ۴۴۷۱۴/۴۵، ۴۴۷۱۴/۴۶، ۴۴۷۱۴/۴۷، ۴۴۷۱۴/۴۸، ۴۴۷۱۴/۴۹، ۴۴۷۱۴/۵۰، ۴۴۷۱۴/۵۱، ۴۴۷۱۴/۵۲، ۴۴۷۱۴/۵۳، ۴۴۷۱۴/۵۴، ۴۴۷۱۴/۵۵، ۴۴۷۱۴/۵۶، ۴۴۷۱۴/۵۷، ۴۴۷۱۴/۵۸، ۴۴۷۱۴/۵۹، ۴۴۷۱۴/۶۰، ۴۴۷۱۴/۶۱، ۴۴۷۱۴/۶۲، ۴۴۷۱۴/۶۳، ۴۴۷۱۴/۶۴، ۴۴۷۱۴/۶۵، ۴۴۷۱۴/۶۶، ۴۴۷۱۴/۶۷، ۴۴۷۱۴/۶۸، ۴۴۷۱۴/۶۹، ۴۴۷۱۴/۷۰، ۴۴۷۱۴/۷۱، ۴۴۷۱۴/۷۲، ۴۴۷۱۴/۷۳، ۴۴۷۱۴/۷۴، ۴۴۷۱۴/۷۵، ۴۴۷۱۴/۷۶، ۴۴۷۱۴/۷۷، ۴۴۷۱۴/۷۸، ۴۴۷۱۴/۷۹، ۴۴۷۱۴/۸۰، ۴۴۷۱۴/۸۱، ۴۴۷۱۴/۸۲، ۴۴۷۱۴/۸۳، ۴۴۷۱۴/۸۴، ۴۴۷۱۴/۸۵، ۴۴۷۱۴/۸۶، ۴۴۷۱۴/۸۷، ۴۴۷۱۴/۸۸، ۴۴۷۱۴/۸۹، ۴۴۷۱۴/۹۰، ۴۴۷۱۴/۹۱، ۴۴۷۱۴/۹۲، ۴۴۷۱۴/۹۳، ۴۴۷۱۴/۹۴، ۴۴۷۱۴/۹۵، ۴۴۷۱۴/۹۶، ۴۴۷۱۴/۹۷، ۴۴۷۱۴/۹۸، ۴۴۷۱۴/۹۹، ۴۴۷۱۴/۱۰۰، ۴۴۷۱۴/۱۰۱، ۴۴۷۱۴/۱۰۲، ۴۴۷۱۴/۱۰۳، ۴۴۷۱۴/۱۰۴، ۴۴۷۱۴/۱۰۵، ۴۴۷۱۴/۱۰۶، ۴۴۷۱۴/۱۰۷، ۴۴۷۱۴/۱۰۸، ۴۴۷۱۴/۱۰۹، ۴۴۷۱۴/۱۱۰، ۴۴۷۱۴/۱۱۱، ۴۴۷۱۴/۱۱۲، ۴۴۷۱۴/۱۱۳، ۴۴۷۱۴/۱۱۴، ۴۴۷۱۴/۱۱۵، ۴۴۷۱۴/۱۱۶، ۴۴۷۱۴/۱۱۷، ۴۴۷۱۴/۱۱۸، ۴۴۷۱۴/۱۱۹، ۴۴۷۱۴/۱۲۰، ۴۴۷۱۴/۱۲۱، ۴۴۷۱۴/۱۲۲، ۴۴۷۱۴/۱۲۳، ۴۴۷۱۴/۱۲۴، ۴۴۷۱۴/۱۲۵، ۴۴۷۱۴/۱۲۶، ۴۴۷۱۴/۱۲۷، ۴۴۷۱۴/۱۲۸، ۴۴۷۱۴/۱۲۹، ۴۴۷۱۴/۱۳۰، ۴۴۷۱۴/۱۳۱، ۴۴۷۱۴/۱۳۲، ۴۴۷۱۴/۱۳۳، ۴۴۷۱۴/۱۳۴، ۴۴۷۱۴/۱۳۵، ۴۴۷۱۴/۱۳۶، ۴۴۷۱۴/۱۳۷، ۴۴۷۱۴/۱۳۸، ۴۴۷۱۴/۱۳۹، ۴۴۷۱۴/۱۴۰، ۴۴۷۱۴/۱۴۱، ۴۴۷۱۴/۱۴۲، ۴۴۷۱۴/۱۴۳، ۴۴۷۱۴/۱۴۴، ۴۴۷۱۴/۱۴۵، ۴۴۷۱۴/۱۴۶، ۴۴۷۱۴/۱۴۷، ۴۴۷۱۴/۱۴۸، ۴۴۷۱۴/۱۴۹، ۴۴۷۱۴/۱۵۰، ۴۴۷۱۴/۱۵۱، ۴۴۷۱۴/۱۵۲، ۴۴۷۱۴/۱۵۳، ۴۴۷۱۴/۱۵۴، ۴۴۷۱۴/۱۵۵، ۴۴۷۱۴/۱۵۶، ۴۴۷۱۴/۱۵۷، ۴۴۷۱۴/۱۵۸، ۴۴۷۱۴/۱۵۹، ۴۴۷۱۴/۱۶۰، ۴۴۷۱۴/۱۶۱، ۴۴۷۱۴/۱۶۲، ۴۴۷۱۴/۱۶۳، ۴۴۷۱۴/۱۶۴، ۴۴۷۱۴/۱۶۵، ۴۴۷۱۴/۱۶۶، ۴۴۷۱۴/۱۶۷، ۴۴۷۱۴/۱۶۸، ۴۴۷۱۴/۱۶۹، ۴۴۷۱۴/۱۷۰، ۴۴۷۱۴/۱۷۱، ۴۴۷۱۴/۱۷۲، ۴۴۷۱۴/۱۷۳، ۴۴۷۱۴/۱۷۴، ۴۴۷۱۴/۱۷۵، ۴۴۷۱۴/۱۷۶، ۴۴۷۱۴/۱۷۷، ۴۴۷۱۴/۱۷۸، ۴۴۷۱۴/۱۷۹، ۴۴۷۱۴/۱۸۰، ۴۴۷۱۴/۱۸۱، ۴۴۷۱۴/۱۸۲، ۴۴۷۱۴/۱۸۳، ۴۴۷۱۴/۱۸۴، ۴۴۷۱۴/۱۸۵، ۴۴۷۱۴/۱۸۶، ۴۴۷۱۴/۱۸۷، ۴۴۷۱۴/۱۸۸، ۴۴۷۱۴/۱۸۹، ۴۴۷۱۴/۱۹۰، ۴۴۷۱۴/۱۹۱، ۴۴۷۱۴/۱۹۲، ۴۴۷۱۴/۱۹۳، ۴۴۷۱۴/۱۹۴، ۴۴۷۱۴/۱۹۵، ۴۴۷۱۴/۱۹۶، ۴۴۷۱۴/۱۹۷، ۴۴۷۱۴/۱۹۸، ۴۴۷۱۴/۱۹۹، ۴۴۷۱۴/۲۰۰، ۴۴۷۱۴/۲۰۱، ۴۴۷۱۴/۲۰۲، ۴۴۷۱۴/۲۰۳، ۴۴۷۱۴/۲۰۴، ۴۴۷۱۴/۲۰۵، ۴۴۷۱۴/۲۰۶، ۴۴۷۱۴/۲۰۷، ۴۴۷۱۴/۲۰۸، ۴۴۷۱۴/۲۰۹، ۴۴۷۱۴/۲۱۰، ۴۴۷۱۴/۲۱۱، ۴۴۷۱۴/۲۱۲، ۴۴۷۱۴/۲۱۳، ۴۴۷۱۴/۲۱۴، ۴۴۷۱۴/۲۱۵، ۴۴۷۱۴/۲۱۶، ۴۴۷۱۴/۲۱۷، ۴۴۷۱۴/۲۱۸، ۴۴۷۱۴/۲۱۹، ۴۴۷۱۴/۲۲۰، ۴۴۷۱۴/۲۲۱، ۴۴۷۱۴/۲۲۲، ۴۴۷۱۴/۲۲۳، ۴۴۷۱۴/۲۲۴، ۴۴۷۱۴/۲۲۵، ۴۴۷۱۴/۲۲۶، ۴۴۷۱۴/۲۲۷، ۴۴۷۱۴/۲۲۸، ۴۴۷۱۴/۲۲۹، ۴۴۷۱۴/۲۳۰، ۴۴۷۱۴/۲۳۱، ۴۴۷۱۴/۲۳۲، ۴۴۷۱۴/۲۳۳، ۴۴۷۱۴/۲۳۴، ۴۴۷۱۴/۲۳۵، ۴۴۷۱۴/۲۳۶، ۴۴۷۱۴/۲۳۷، ۴۴۷۱۴/۲۳۸، ۴۴۷۱۴/۲۳۹، ۴۴۷۱۴/۲۴۰، ۴۴۷۱۴/۲۴۱، ۴۴۷۱۴/۲۴۲، ۴۴۷۱۴/۲۴۳، ۴۴۷۱۴/۲۴۴، ۴۴۷۱۴/۲۴۵، ۴۴۷۱۴/۲۴۶، ۴۴۷۱۴/۲۴۷، ۴۴۷۱۴/۲۴۸، ۴۴۷۱۴/۲۴۹، ۴۴۷۱۴/۲۵۰، ۴۴۷۱۴/۲۵۱، ۴۴۷۱۴/۲۵۲، ۴۴۷۱۴/۲۵۳، ۴۴۷۱۴/۲۵۴، ۴۴۷۱۴/۲۵۵، ۴۴۷۱۴/۲۵۶، ۴۴۷۱۴/۲۵۷، ۴۴۷۱۴/۲۵۸، ۴۴۷۱۴/۲۵۹، ۴۴۷۱۴/۲۶۰، ۴۴۷۱۴/۲۶۱، ۴۴۷۱۴/۲۶۲، ۴۴۷۱۴/۲۶۳، ۴۴۷۱۴/۲۶۴، ۴۴۷۱۴/۲۶۵، ۴۴۷۱۴/۲۶۶، ۴۴۷۱۴/۲۶۷، ۴۴۷۱۴/۲۶۸، ۴۴۷۱۴/۲۶۹، ۴۴۷۱۴/۲۷۰، ۴۴۷۱۴/۲۷۱، ۴۴۷۱۴/۲۷۲، ۴۴۷۱۴/۲۷۳، ۴۴۷۱۴/۲۷۴، ۴۴۷۱۴/۲۷۵، ۴۴۷۱۴/۲۷۶، ۴۴۷۱۴/۲۷۷، ۴۴۷۱۴/۲۷۸، ۴۴۷۱۴/۲۷۹، ۴۴۷۱۴/۲۸۰، ۴۴۷۱۴/۲۸۱، ۴۴۷۱۴/۲۸۲، ۴۴۷۱۴/۲۸۳، ۴۴۷۱۴/۲۸۴، ۴۴۷۱۴/۲۸۵، ۴۴۷۱۴/۲۸۶، ۴۴۷۱۴/۲۸۷، ۴۴۷۱۴/۲۸۸، ۴۴۷۱۴/۲۸۹، ۴۴۷۱۴/۲۹۰، ۴۴۷۱۴/۲۹۱، ۴۴۷۱۴/۲۹۲، ۴۴۷۱۴/۲۹۳، ۴۴۷۱۴/۲۹۴، ۴۴۷۱۴/۲۹۵، ۴۴۷۱۴/۲۹۶، ۴۴۷۱۴/۲۹۷، ۴۴۷۱۴/۲۹۸، ۴۴۷۱۴/۲۹۹، ۴۴۷۱۴/۳۰۰، ۴۴۷۱۴/۳۰۱، ۴۴۷۱۴/۳۰۲، ۴۴۷۱۴/۳۰۳، ۴۴۷۱۴/۳۰۴، ۴۴۷۱۴/۳۰۵، ۴۴۷۱۴/۳۰۶، ۴۴۷۱۴/۳۰۷، ۴۴۷۱۴/۳۰۸، ۴۴۷۱۴/۳۰۹، ۴۴۷۱۴/۳۱۰، ۴۴۷۱۴/۳۱۱، ۴۴۷۱۴/۳۱۲، ۴۴۷۱۴/۳۱۳، ۴۴۷۱۴/۳۱۴، ۴۴۷۱۴/۳۱۵، ۴۴۷۱۴/۳۱۶، ۴۴۷۱۴/۳۱۷، ۴۴۷۱۴/۳۱۸، ۴۴۷۱۴/۳۱۹، ۴۴۷۱۴/۳۲۰، ۴۴۷۱۴/۳۲۱، ۴۴۷۱۴/۳۲۲، ۴۴۷۱۴/۳۲۳، ۴۴۷۱۴/۳۲۴، ۴۴۷۱۴/۳۲۵، ۴۴۷۱۴/۳۲۶، ۴۴۷۱۴/۳۲۷، ۴۴۷۱۴/۳۲۸، ۴۴۷۱۴/۳۲۹، ۴۴۷۱۴/۳۳۰، ۴۴۷۱۴/۳۳۱، ۴۴۷۱۴/۳۳۲، ۴۴۷۱۴/۳۳۳، ۴۴۷۱۴/۳۳۴، ۴۴۷۱۴/۳۳۵، ۴۴۷۱۴/۳۳۶، ۴۴۷۱۴/۳۳۷، ۴۴۷۱۴/۳۳۸، ۴۴۷۱۴/۳۳۹، ۴۴۷۱۴/۳۴۰، ۴۴۷۱۴/۳۴۱، ۴۴۷۱۴/۳۴۲، ۴۴۷۱۴/۳۴۳، ۴۴۷۱۴/۳۴۴، ۴۴۷۱۴/۳۴۵، ۴۴۷۱۴/۳۴۶، ۴۴۷۱۴/۳۴۷، ۴۴۷۱۴/۳۴۸، ۴۴۷۱۴/۳۴۹، ۴۴۷۱۴/۳۵۰، ۴۴۷۱۴/۳۵۱، ۴۴۷۱۴/۳۵۲، ۴۴۷۱۴/۳۵۳، ۴۴۷۱۴/۳۵۴، ۴۴۷۱۴/۳۵۵، ۴۴۷۱۴/۳۵۶، ۴۴۷۱۴/۳۵۷، ۴۴۷۱۴/۳۵۸، ۴۴۷۱۴/۳۵۹، ۴۴۷۱۴/۳۶۰، ۴۴۷۱۴/۳۶۱، ۴۴۷۱۴/۳۶۲، ۴۴۷۱۴/۳۶۳، ۴۴۷۱۴/۳۶۴، ۴۴۷۱۴/۳۶۵، ۴۴۷۱۴/۳۶۶، ۴۴۷۱۴/۳۶۷، ۴۴۷۱۴/۳۶۸، ۴۴۷۱۴/۳۶۹، ۴۴۷۱۴/۳۷۰، ۴۴۷۱۴/۳۷۱، ۴۴۷۱۴/۳۷۲، ۴۴۷۱۴/۳۷۳، ۴۴۷۱۴/۳۷۴، ۴۴۷۱۴/۳۷۵، ۴۴۷۱۴/۳۷۶، ۴۴۷۱۴/۳۷۷، ۴۴۷۱۴/۳۷۸، ۴۴۷۱۴/۳۷۹، ۴۴۷۱۴/۳۸۰، ۴۴۷۱۴/۳۸۱، ۴۴۷۱۴/۳۸۲، ۴۴۷۱۴/۳۸۳، ۴۴۷۱۴/۳۸۴، ۴۴۷۱۴/۳۸۵، ۴۴۷۱۴/۳۸۶، ۴۴